بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه103...26/11/1399

فرع اول : اگر آب انگور بوسیله چند قطره خمر نجس شود و پس از مدتی این آب انگور تبدیل به خمر شود انگاه تبدیل به خل شود فتوای فقها بر طهارت این سرکه است به سه دلیل :

دلیل اول : نجاست عرضی تبدیل به نجاست ذاتی شد و نجاست ذاتی منقلب به سرکه شده لذا ا سرکه پاک است و دوتا اشکال مهم دراینجا بود که اشکال اول که چرا همین حرف را درجایی که بول یا خون در اب انگور بیفتد و تبدیل به سرکه شود نمی گویید ؟ جواب دادند که روایات مطهریت انقلاب شامل آنها نمی شود و قصور دارد ، اما اشکال دوم این بود که مرحوم شیخ ره گفتند که در اینجا اجتماع مثلین لازم می آید که نجاست عرضی همان خمر و نجاست ذاتی هم همان خمر است پس دو تا نجاست مثل خمر برروی اب انگور قرار گرفته است

حال مرحوم سید جواب دادند که اجتماع مثلین نیست چون نجاست عرضیه خمر تبدیل به نجاست ذاتیه شده و نجاست ذاتیه تبدیل به سرکه شده است ، و مرحوم حکیم ره فرمودند که مقصود شیخ از اجتماع مثلین در محل واحد این است که در اینجا تعدد رتبه است رتبه نجاست خمر ذات خمر است و رتبه نجاست عرضیه جسم خمر است لذا در اجتماع مثلین وقتی تعدد رتبه بود مشکلی پیش نمی اید

اشکال استاد به مرحوم حکیم ره : نیازی به این مقاله نیست چون تغایر و تعدد رتبی در ذهن و عقل است مثل اینکه ذهن رتبه علت را مقدم بر رتبه معلول می داند اما در خارج علت و معلول به یک وجود موجود می شوند آنچه ما در بحث نجاست عرضیه و ذاتیه وارد شدیم مربوط به خارج است و وجود خارجی این اب انگور یک نجاست ذاتی گرفت و یک نجاست عرضی گرفت و منظور مرحوم سید در عروه این است که آن وجود نجاست عرضی تبدیل به خمر شده یعنی تبدیل به نجاست ذاتی شده و ان نجاست ذاتی تبدیل به سرکه شده است لذا پاک است پس راه حل اختلاف رتبی ربطی به محل بحث ما ندارد لذا محل بحث ما وجود خارجی خمر است که باید بین دو وجود خارجی بحث شود یکی وجود خارجی نجاستی است که از طریق خمر بر اب انگور عارض شده و دیگر نجاست خود خمر و ذات خمر ست که اب انگور مبدل به خمر شده است

دلیل دوم انها : اطلاق روایات متقدمه دلالت بر طهارت این سرکه دارند که از خمر منقلب شده است چون وقتی روایت می فرمایند تبدیل خمر به سرکه موجب طهارت است شامل می شود هم سرکه ای که بوسیله چند قطره خمر نجس شده و هم سرکه ای که خود به خود خمر شده و انقلاب هر دو را پاک می کند و مطلق است

دلیل سوم : اب انگور خصوصا اگر زیاد باشد با چند قطره خمر سریعا تبدیل به خمر نمی شود بلکه زمان لازم است و به تدریج به خمر تبدیل شده و با فاصله تبدیل به سرکه شده لذاحکم به طهارتش می شود

فرع دوم : اگر عصیر عنبی به سایر نجاسات نجس شود انگاه تبدیل به خمر شود اثر نجاست باقی است حتی بعد از اینکه تبدیل به سرکه شود

مساله هفتم : درباره استهلاک و استحاله و اینکه مصادیق آنها چیست ؟

متن اول از مرحوم سید در عروه ( تفرع الاجزاء بالاستهلاک غیر الاستحاله ) اگر اجزای نجاست بوسیله استهلاک پراکنده و متفرق شود این را استحاله نمی گویند ، دلیل این است که استهلاک از ریشه هلاک به معنی انعدام یک چیز یا از بین رفتن ان عین است به طبع انعدام عین نجاست هم منعدم می شود زیرا نجاست وصف آن عین است وقتی ذات یک شیی منعدم شود وصفش هم منعدم می شود و اختلافی نیست لذا اگر آن ذات شیی برگردد ‌وصفش هم بر می گردد ولی استحاله انعدام نیست بلکه تغییر و تبدیل حقیقت نوعیه یک شیی است مثل تبدیل حقیقت یک سرکه به خمر ولی انعدام نیست چون ذاتش همان اب انگور است

متن دوم : و اذا وقع مقدار من الدم فی الکر استهلک فیه یحکم بطهارة ، برای استهلاک مثالی می زنند که اگر مقداری از خون در اب کر واقع شود و درون کر مستهلک شود حکم به طهارت ان خون می شود

اشکال به ایشان : مرحوم حکیم و امام ره بر این عبارت و تعبیر اشکال کرده اند و اشکال هم به حق هست و اشکال این است که به جای یحکم بطهارته باید می نوشت یحکم بانعدامه یعنی حکمی بحث نمی کرد و باید موضوعی و مصداقی بحث می کرد یعنی بحث ما روی استهلاک است و استهلاک انعدام یک شیی است و می خواهیم مثال بزنیم به اینکه افتادن خون در کر باعث منعدم شدن خون می شود و کاملا موضوعش از بین می رود لذا اگر روزی با دستگاه های الکترونیکی ذرات خون را از اب جدا کرده و دوباره به خون برگردد این خون نجس است پس بحث ما بر طهارت این خون مستهلک نیست بلکه بحث ما بر روی انعدام خون در درون کر است و ما می خواهیم مصادیق استهلاک را بیاوریم